فصلنامه علمی-پژوهشی **پژوهش در سلامت روانشناختی**، دوره دهم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۵

[Downloaded from rph.khu.ac.ir on 2024-04-29]

[DOR: 20.1001.1.20080166.1395.10.4.6.7]

[DOI: 10.18869/acadpub.rph.10.4.19]

مرگ‌آگاهی تجربه‌ای بیدارکننده: دو مطالعه بر اضطراب مرگ و ارزش‌گذاری آرزوهای بیرونی

میلاد سبزه‌آرای لنگرودی[۱]، نادر حاجلو[۲]، سجاد بشرپور[۳]، عباس ابوالقاسمی[۴]

Death Awareness an Awakening Experience: Two Studies on Death Anxiety and Valuation of Extrinsic Aspirations

Milad SabzehAra Langaroudi, Nader Hajloo, Sajjad Basharpour, Abbas Abolghasemi.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۷/۲۵ پذیرش اولیه: ۱۳۹۵/۱۱/۲۹ پذیرش نهایی: ۱۳۹۵/۱۲/۸

چکیده

این پژوهش در دو مطالعه به بررسی چگونگی رابطه میان اضطراب مرگ با آرزوهای بیرونی پرداخته است. مطالعهٔ اول از نوع توصیفی و همبستگی است. ۴۵۷ دانشجو به روش نمونه‌گیری در دسترس، انتخاب شدند و مقیاس اضطراب مرگ و نمایهٔ آرزو را کامل کردند. در مطالعهٔ دوم که از نوع آزمایشی و در قالب طرح دو گروهی با پس-آزمون بود. شرکت کنندگان ۱۰۴ نفر دانشجو بود ند که به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب و به طور تصادفی به دو گروه آزمایش و کنترل واگذار شدند و با بکارگیری تکلیف فراخوانی افکار مرگ و نمایهٔ آرزو، اثر برجستگی مرگ بر آرزوهای بیرونی در میان آن‌ها آزمون شد. در مطالعهٔ اول با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون، رابطهٔ مثبت معنادار میان جذابیت ظاهری با اضطراب مرگ و خرده‌مقیاس-هایش مشاهده شد. نتایج حاصل از تحلیل واریانسِ چندمتغیرهٔ مطالعهٔ دوم نیز نشان داد که برجستگی مرگ منجر به کاهش اهمیت آرزوهای بیرونی، در گروه آزمایشی نسبت به گروه کنترل شد. همچنین، تأثیر برجستگی مرگ بر جذابیت ظاهری، معنادار بود. نتایج به دست آمده مطابق با مبانی دیدگاه‌های انسان‌گرا و وجودی و نظریه‌های خودمختاری و مدیریت وحشت، به نقش بیدارکنندهٔ مرگ‌آگاهی بر اجتناب از پیگیری سبک زندگیِ بی‌اصالت (پیگیری آرزوهای ناسالم) تأکید می‌کند.

واژه‌های کلیدی: یادآوری مرگ، اضطراب مرگ، آرزوهای بیرونی. وجودگرایی

Abstract

This research examine the relationship between death anxiety with extrinsic aspirations in two studies. First study is descriptive and correlational. ۴۵۷ students were selected by convenience sampling method and completed the death anxiety scale and aspiration index. Second study conducted in an experimental method with ۲ Group, Post-test Comparison. Participants were ۱۰۴ students selected by convenience sampling method and randomly assigned to two experimental and control groups and with using the task of called death thoughts and the aspiration index tested the effect of mortality salience on extrinsic aspirations among them. In the first study with using the Pearson correlation coefficient a significant positive association were observed between attractiveness with death anxiety and its subscales. The results of MANOVA in the second study showed that mortality salience decreased importance of extrinsic aspirations in the experimental group in comparison with the control group. Also, the effectiveness of mortality salience on attractiveness was significant. The results in accordance with the principles of humanist and existential views and Self-Determination Theory and Terror Management Theory emphasize to awakening role of death awareness on the avoiding of pursuit of non-authentic life style (pursuit of unhealthy aspirations).

Keywords: Death awareness, Death anxiety, extrinsic aspirations, Existentialism

۱. (نویسنده مسئول). گروه روان شناسی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه محقق اردبیلی. اردبیل. ایران. miladsabzehara@alumni.ut.ac.ir

۲. گروه روان‌شناسی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه محقق اردبیلی. اردبیل. ایران.

۳. گروه روان‌شناسی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه محقق اردبیلی. اردبیل. ایران.

۴. گروه روان‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه گیلان. رشت. ایران.

* مقاله برگرفته از رساله دکتری نویسنده مسئول است.

[Downloaded from rph.khu.ac.ir on 2024-04-29]
[DOR: 20.1001.1.20080166.1395.10.4.6.7]
[DOI: 10.18869/acadpub.rph.10.4.19]

مقدمه

نظریه خودمختاری[۱] (کاسر و رایان[۲]، ۱۹۹۶) با تقسیم اهداف و آرزوها به دو دسته ذاتی (رشد شخصی یا خودپذیری، ارتباط یا پیوندجویی، همکاری اجتماعی یا احساس اجتماعی) و بیرونی (شهرت، ثروت و ظاهر یا جذابیت فیزیکی)، پیامدهای فردی و اجتماعی متفاوتی را در نتیجهٔ ارزش‌گذاری و دست‌یابی به آنها بیان می‌کند. مطالعات انجام شده در این نظریه در سطوح مختلف فرهنگی، اقتصادی، سنی و جنسیتی نشان داده است که پی‌گیری و ارزش‌گذاری محوری آرزوهای بیرونی با بهزیستی و سلامت روان‌شناختی پایین همراه است و در مقابل، ارزش‌گذاری آرزوهای ذاتی با پیامدهای مثبت روان‌شناختی توأم خواهد بود (کاسر، ۱۳۹۵). برای مثال، تمرکز زیاد بر اهدافی از قبیل پول و مقام با مؤلفه‌هایی از قبیل صمیمیت کمتر و کنترل بیشتر فرزندان (کاسر، رایان، زاکس[۳] و سامروف[۴]، ۱۹۹۵)، ماکیاول‌گرایی[۵] (مک-هاوسکی[۶]، ۱۹۹۹)، نگرش‌های تعصب‌آمیز قومی و نژادی و نگرش منفی نسبت به چندفرهنگی شدن کشورها (دوریز، ونستینکیست، سننز و دی‌وایت[۷]، ۲۰۰۷؛ دوریز، ۲۰۱۱ الف، ب)، تعاون کمتر و حرص بیشتر برای منابع (شلدون، شلدون و اسبالدیستن[۸]، ۲۰۰۰) و زندگی آسیب‌رساننده به محیط زیست (براون[۹] و کاسر، ۲۰۰۵) مرتبط بود. به علاوه در مطالعه کاسر (۲۰۱۱) با استفاده از داده‌های آرشیوی ۲۰ ملت ثروتمند نشان داده شد، ارزش‌هایی که یک ملت بر آنها تأکید می‌کند بر خط‌مشی‌ها و سیاست‌ها، اعمال مؤثر بر میزان بهزیستی کودکان فعلی و نسل‌های آتی ملت تأثیر می‌گذارد.

تبیین این نظریه در خصوص یافته‌های فوق این است که آرزوهای ذاتی به دلیل فرآیند اکتساب خودمختارشان (این آرزوها اغلب به واسطه انگیزش‌های ذاتی و همسان‌سازی شده[۱۰] پیگیری می‌شوند) و ارضاء نیازهای بنیادین روان‌شناختی (ارتباط[۱۱]، (خودپیروی[۱۲] و شایستگی[۱۳]) با پیامدهای مثبت همراه بوده و به طور عکس، آرزوهای بیرونی به دلیل فرآیند اکتساب غیرخودمختارشان (این آرزوها اغلب بواسطه انگیزش‌های بیرونی و درون‌فکنی شده[۱۴] پی‌گیری می‌شوند) و عدم ارضاء نیازهای روانی با پیامدهای منفی همراه هستند (دچی[۱۵] و رایان، ۲۰۰۰).

اگرچه تمامی افراد در پی کسب امکانات مادی برای ارضاء نیازهای فیزیولوژیک پایه‌ای و اساسی خود هستند؛ اما برخی به شدت بر پیگیری ارزش‌های مادی متمرکزند. مطالعات این حوزه نشان داده است که ارتباطی متقابل میان ناامنی ناشی از عدم ارضاء نیازهای روانی و فیزیولوژیک و ارزش‌گذاری محوری آرزوهای بیرونی وجود دارد (کاسر، ۱۳۹۵). در واقع، ارزش‌های مادی هم نشانه‌ای از ناایمنی زیربنایی و هم نشانه‌ای از راهبردهای مقابله‌ای هستند (اگرچه راهبردی نسبتاً ناموثر) که برخی افراد برای التیام ناامنی‌ها و اضطراب‌های‌شان (از جمله اضطراب مرگ[۱۶]) به کار می‌گیرند. برای مثال، بکر[۱۷] (۱۹۷۵) بیان می‌کند که انسان‌ها پول را ابزاری برای جاودانگی و متورم‌سازی خویشتن به حساب می‌آورند؛ زیرا پول می‌تواند وضعیت طبیعی فرد را از ناچیزی، درماندگی و فانی بودن، به بزرگی، کنترل، جاودانگی و اهمیت داشتن، تغییر دهد.

از طرف دیگر، فلاسفه، مرگ‌آگاهی را به صورت *شیرینی با رگه‌هایی از تلخی*[۱۸] توصیف کرده‌اند چراکه؛ نه تنها با اضطراب، ترس و اجتناب مرتبط است؛ بلکه الهام‌بخش بوده و با نوآوری همراه است و کمک می‌کند تا فرد به عالمی ورای خود بپیوندد (گرینبرگ، کول و پیزینسکی[۱۹]، ۲۰۰۴). برای مثال، هایدگر[۲۰] (۱۳۹۴) بیان می‌کند که اگرچه مرگ جسماً ما را نابود می‌کند، اندیشهٔ مرگ نجاتمان می‌دهد و انسان را از شیوه غیراصیل، منحرف، آسوده و سرشار از نگرانی‌های روزمره به شیوه‌ای اصیل و مسئولانه از زندگی انتقال می‌دهد. امی ون‌دورزن[۲۱] (۱۹۹۷)،

۱. Self-Determination Metatheory (SDT)
۲. Kasser & Ryan
۳. Zax
۴. Sameroff
۵. machiavellism
۶. McHoskey
۷. Duriez, Vansteenkiste, Soenens & De Witte
۸. Sheldon, Sheldon & Osbaldiston
۹. Brown
۱۰. intrinsic and identified motivation
۱۱. relatedness
۱۲. autonomy
۱۳. competence
۱۴. Extrinsic and introjected motivation
۱۵. Deci
۱۶. death anxiety
۱۷. Becker
۱۸. bittersweet
۱۹. Greenberg, Koole & Pyszczynski
۲۰. Heidegger
۲۱. Emmy Van Duerzen

نویسنده و روان‌درمانگر وجودی با پذیرش این ایده می‌نویسد: *«مرگ یادآورِ ضروری زندگی است. تنها زمانی که مستقیماً با آن چهره به چهره می‌شویم، می‌توانیم فرصتی را که برای زندگی داریم جدی بگیریم و بهترین استفاده را از آن بکنیم»*.

روی‌هم‌رفته، مطابق با متفکران وجودگرا[1] و نظریه مدیریت وحشت[2] (گرینبرگ، پیزینسکی و سولومون[3]، ۱۹۸۶) که سعی دارد تا نظریات متفکران کلاسیک در حوزه مرگ و دغدغه‌های وجودی را در پژوهش‌های آزمایشی بررسی کند، یادآوری مرگ خویشتن و اضطراب مرگ می‌تواند به صورت دووجهی شیوه‌های رفتاری متفاوتی از مادی‌گرایی (کاسر و شلدون، ۲۰۰۰؛ خوناس[4]، سالیوان[5] و گرینبرگ، ۲۰۱۳)، دوگماتیسم[6] (یقین نسبتاً غیرقابل تغییرناپذیر و توجیه‌ناپذیر نسبت به درستی افکار و باورهای خود) و خشونت‌طلبی(فریشلیچ، ریگر، هین و بنتی[7]، ۲۰۱۵) تا معنویت‌گرایی (جانگ، هالبراستات و بلومک[8]، ۲۰۱۲؛ کوهن[9]، سنک[10]، گرینبرگ و سولومون، ۲۰۱۳)، نوع‌دوستی و تعاون اجتماعی (کای و ویر[11]، ۲۰۱۵) را برانگیزاند که در نهایت با پیامدهای متفاوتی برای سلامت و بهزیستی روان‌شناختی فرد همراه هستند (یالوم[12]، ۱۳۹۴؛ کاسر، ۱۳۹۵).

با توجه به مطالب ذکر شده، پژوهش حاضر سعی کرده است چگونگی رابطهٔ میان مرگ‌آگاهی و آرزوهای بیرونی را در دو مطالعه بررسی کند. در مطالعه اول چگونگی رابطه میان آرزوهای بیرونی و اضطراب مرگ در مطالعه‌ای از نوع همبستگی بررسی شده است و در مطالعه دوم تأثیر شرایط برجستگی مرگ[13](شرایطی که مرگ انسان را به سطح هشیار و آگاهی وی می‌کشانند) بر اهمیت آرزوهای بیرونی مورد آزمون قرار گرفته است. انتظار بر این است که مرگ‌آگاهی به صورت تجربه‌ای بیدارکننده[14] و مرزی[15] منجر به کاهش ارزش‌گذاری بر آرزوهای بیرونی شده و از طرف دیگر، رابطه‌ای مثبت میان آرزوهای بیرونی و اضطراب مرگ مشاهده شود، چراکه افراد با مادی‌گرایی بالا، ناامنی و اضطراب مرگ بیشتری را نشان می‌دهند (کاسر و کاسر، ۲۰۰۱) و آرزوهای بیرونی راهبردهای مقابله‌ای نسبتاً ناموثر و اغلب کوتاه‌مدت برای کاهش ترس از مرگ هستند (کاسر، ۱۳۹۵).

روش

جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری

مطالعهٔ اول از نوع توصیفی و همبستگی است. ۴۵۷ نفر از دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی در سال تحصیلی ۹۴-۹۵ به روش نمونه‌گیری در دسترس، انتخاب شدند و در در گروه‌های ۲۰ تا ۳۰ نفری، مقیاس‌های موردنظر را با رضایت خود و بدون ذکر نام، کامل کردند.

مطالعهٔ دوم از نوع آزمایشی و در قالب طرح پس‌آزمون با گروه کنترل است. طرح پس‌آزمون با گروه کنترل، طرح پژوهشی غالب در بررسی اثرات برجستگی مرگ در نظریه مدیریت وحشت است (برای مثال، خوناس و همکاران، ۲۰۱۳؛ کوهن و همکاران، ۲۰۱۳؛ کای و ویر، ۲۰۱۵). تعداد ۱۰۴ نفر از دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی در سال تحصیلی ۹۴-۹۵ به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب و برای اجرای کاربندیِ پژوهش، به طور تصادفی به دو گروه آزمایشی و کنترل واگذاری شدند. شرکت‌کنندگان گروه آزمایش به دو سؤال بازپاسخ در ارتباط با مرگ خویشتن (تکلیف فراخوانی افکار مرتبط با مرگ) پاسخ دادند و گروه کنترل نیز احساسات و هیجانات خود را در پاسخ به دو سؤال باز در ارتباط با یک موضوع اضطراب‌آور غیر مرتبط با مرگ (دندان درد و مراجعه به دندان‌پزشکی) بیان کردند. موضوع دندان درد در اکثر بررسی‌های نظریهٔ مدیریت وحشت، به عنوان موضوع گروه کنترل به کار رفته است. سپس از شرکت‌کنندگان خواسته شد، تا یک متن، با موضوع خنثی را که خواندن آن در حدود ۵دقیقه زمان لازم دارد، روخوانی کنند. منظور از موضوع خنثی موضوعی است که هیجان غیرمعمول، به ویژه اضطراب در شرکت‌کنندگان ایجاد

۱. existential
۲. Terror Management Theory (TMT)
۳. Solomon
۴. Jonas
۵. Sullivan
۶. dogmatism
۷. Frischlich, Rieger, Hein & Bente
۸. Jong, Halberstadt, & Bluemke
۹. Cohen
۱۰. Soenke
۱۱. Cai &Wyer
۱۲. Yalom
۱۳. mortality salience
۱۴. awakening experience
۱۵. boundary

[Downloaded from rph.khu.ac.ir on 2024-04-29]
[DOR: 20.1001.1.20080166.1395.10.4.6.7]
[DOI: 10.18869/acadpub.rph.10.4.19]

نکند. در این پژوهش یک پاراگراف ساده از یک داستان انتخاب و به شرکت‌کنندگان ارائه شد. ارائهٔ موضوع خنثی بدین علت است که پیزینسکی، گرینبرگ و سولومون (۱۹۹۹)، ایجاد یک فاصله (۳ الی ۵ دقیقه‌ای) بین برجسته‌کردن افکار مرگ و اندازه‌گیری متغیر وابسته را در افزایش دسترسی‌پذیری افکار مرگ پیشنهاد می‌کنند. زیرا بکارگیری مکانیزم دفاعی سرکوبی[۱] منجر به اثر بازگشتی[۲] افکار مرگ می‌شود. در پایان، شرکت‌کنندگان به نمایه آرزو پاسخ دادند.

ابزار

۱- تکلیف فراخوانی افکار مرتبط با مرگ (گرینبرگ، پیزینسکی، سولومون، رزنبلات، ویدر و همکاران، ۱۹۹۰): برای فراخوانی افکار مرتبط با مرگ خویشتن به سطح توجه کانونیِ شرکت‌کنندگان در گروه آزمایش (برجستگی مرگ)، از ابزار برجسته‌سازی افکار مرتبط با مرگِ گرینبرگ و همکاران (۱۹۹۰) استفاده شد. افکار مذکور به وسیله درخواست از شرکت‌کنندگان برای جواب به دو سؤال بازپاسخ دربارهٔ مرگ‌شان، فراخوانده می‌شوند. این دو سؤال عبارتند از: ۱. وقتی به مرگ خود فکر می‌کنید، چه احساساتی در شما ایجاد می‌شود؟ (شرح دهید) و ۲. به طور مشخص توضیح دهید که چه اتفاقاتی بعد از مرگ برای جسم شما روی می‌دهد؟ این روش در اکثر آزمایش‌های مشابه به کار گرفته شده است (برای مثال، آرنت و سولومون، ۲۰۰۳).

۲- نمایه آرزو (گروزت، کسر، آهویا، دالز، کیم و همکاران[۳]، ۲۰۰۵): نمایه آرزو[۴] دارای ۴۷ ماده بوده و پاسخ‌دهنده با ۱۱ آرزو در دو بُعد آرزوهای ذاتی-بیرونی و آرزوهای تعالی خود-خود جسمانی[۵] مواجه می‌شود و می‌بایست میزان اهمیت و شانس دست‌یابی به هر هدف را در مقیاسی ۹ درجه‌ای (۱= اصلاً، ۹= به-شدت) ارزیابی کند. در مطالعه گروزت و همکاران (۲۰۰۵) در ۱۵ کشور جهان، همسانی درونی ۱۱ آرزو در دامنه‌ای بین ۰/۶۷ تا ۰/۹۰ قرار داشت. در این مطالعه از زیرمؤلفه اهمیت آرزوهای بیرونی در نمایه آرزو که سه آرزوی شهرت، ثروت و جذابیت ظاهری را شامل می‌شود، استفاده شد. همسانی درونی اهمیت شهرت ۰/۸۳، اهمیت ثروت ۰/۸۴ و اهمیت جذابیت ظاهری ۰/۸۱ به دست آمد.

۳- مقیاس اضطراب مرگ تمپلر (تمپلر، ۱۹۷۰): مقیاس اضطراب مرگ تمپلر[۶] (۱۹۷۰) دارای ۱۵ ماده بوده و پرکاربردترین مقیاس برای سنجش اضطراب مرگ است. شرکت‌کنندگان پاسخ خود را به هر ماده در یک پیوستار ۵ درجه‌ای (۱= کاملاً غلط، ۵ =کاملاً درست) رتبه‌بندی می‌کنند. نمره‌های این مقیاس بین ۱۵ تا ۷۵ متغیرند که نمره بالاتر بیانگر اضطراب مرگ شدیدتر است. تمپلر، چلگوجیان و توماس-دابسون[۷] (۱۹۹۰) ضریب بازآزمایی این مقیاس را ۰/۸۳ به دست آورده‌اند. کونتی، وینر و پلاچیک[۸] (۱۹۸۲) پایایی دو نیمه‌سازی مقیاس را ۰/۷۶ و همبستگی هر سؤال با نمره کل را از ۰/۳۰ تا ۰/۷۴ و با میانگین ۰/۴۴ برای گروه دانشجویان گزارش کرده‌اند. در مطالعه محمدی، نوری مقدم، شهسوارانی و سبزه‌آرای لنگرودی (۱۳۹۲) همسانی درونی مقیاس ۰/۷۸ و پایایی دو نیمه‌سازی آن ۰/۷۳ به دست آمد.

یافته‌ها

مطالعه اول: این مطالعه روی ۴۵۷ نفر (۳۰۲ زن، ۱۲۱ مرد و ۳۴ نفر گزارش نشده) با میانگین سنی ۲۶/۰۷ و انحراف استاندارد ۸/۴۱ انجام شد. ماتریس همبستگی و شاخص‌های توصیفی اضطراب مرگ و آرزوهای بیرونی در جدول۱ نشان داده شده است.

همانطور که مشاهده می‌شود، در میان همه آرزوهای بیرونی، همبستگی مثبت معنادار، بین نمرهٔ کل اضطراب مرگ و اهمیت زیبایی وجود دارد (ضریب همبستگی ۰/۱۹ و $P<0/01$). به علاوه، اهمیت زیبایی به طور مثبتی با خرده‌مقیاس‌های ترس از مرگ و ترس از مرگ رنج‌آور (به ترتیب ضریب همبستگی ۰/۱۲ و ۰/۲۱ و معناداری $P<0/05$ و $P<0/01$) رابطه دارد.

مطالعه دوم. این مطالعه روی ۱۰۴ نفر، ۵۵ نفر گروه آزمایشی (۳۰ زن، ۱۸ مرد و ۷ نفر گزارش نشده) با میانگین سنی ۲۴/۲۰ و انحراف استاندارد ۶/۵۱ و ۴۹ نفر گروه کنترل (۳۵ زن، ۱۳ مرد

۱. suppression
۲. rebound effect
۳. Grouzet, Kasser, Ahuvia, Fernandez-Dols, Kim & et al.
۴. Aspiration Index (AI)
۵. self-transcendence-physical-self
۶. Templer Death Anxiety Scale (DAS)
۷. Chalgujian & Thomas-Dobson
۸. Conte, Weiner & Plutchik

[Downloaded from rph.khu.ac.ir on 2024-04-29]
[DOR: 20.1001.1.20080166.1395.10.4.6.7]
[DOI: 10.18869/acadpub.rph.10.4.19]

و ۱ نفر گزارش نشده) با میانگین سنی ۲۵/۳۰ و انحراف استاندارد ۹/۰۴ انجام شد.

میانگین و انحراف استاندارد اهمیت آرزوهای بیرونی به تفکیک گروه‌های آزمایش و کنترل در جدول ۲ منعکس شده است. همانطور که در جدول مشاهده می‌شود میانگینِ اهمیت آرزوهای بیرونی در گروه آزمایشی، در مقایسه با گروه کنترل، پایین‌تر است. به‌عبارت دیگر، برجستگی مرگ به کاهش اهمیت آرزوهای بیرونی منجر شده است. جهت بررسی همسانی ماتریس‌های واریانس-کوواریانس از آزمون باکس استفاده شد (P = ۰/۰۰ و F = ۱/۶۵، Box's M = ۱۰۲/۹۸). به علاوه جهت بررسی همگنی واریانس‌ها از آزمون لوین استفاده شد که در جدول۳ نشان داده شده است. برای بررسی معناداریِ اثرِ برجستگی مرگ بر اهمیت آرزوهای بیرونی، از تحلیل واریانس چندمتغیره استفاده شد. نتایج تحلیل واریانسِ چندمتغیرهٔ اثر برجستگی مرگ بر آرزوهای بیرونی، بیانگر اثر معنادار برجستگی مرگ بر اهمیت زیبایی است (جدول ۴). معناداری شاخص لامبدای ویلکس نیز نشان‌دهنده تأثیرپذیری آرزوهای ذاتی از شرایط برجستگی مرگ است (P = ۰/۰۲ و F = ۲/۱۷، Wilks' Lambda = ۰/۷۹).

جدول ۳. آزمون لوین جهت بررسی همگنی واریانس‌ها (مطالعه ۲)

متغیر	درجه آزادی ۱	درجه آزادی ۲	F	معناداری
اهمیت ثروت	۱	۹۲	۰/۰۴	۰/۸۲
اهمیت شهرت	۱	۹۲	۱/۸۸	۰/۱۷
اهمیت زیبایی	۱	۹۲	۰/۰۲	۰/۸۸

جدول ۴. نتایج تحلیل واریانس چندمتغیره آرزوهای بیرونی (مطالعه۲)

شرح	متغیر وابسته	درجه آزادی	میانگین مجذور	F	معناداری
برجستگی مرگ	اهمیت زیبایی	۱	۱۳/۷۸	۶/۵۴	۰/۰۱
	اهمیت ثروت	۱	۲/۸۹	۱/۰۷	۰/۳۰
	اهمیت شهرت	۱	۰/۳۰	۰/۱۲	۰/۷۲

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر در دو مطالعه، چگونگی رابطه میان اهمیت آرزوهای بیرونی با اضطراب مرگ و تأثیر شرایط برجستگیِ مرگ بر میزان ارزش‌گذاریِ آرزوهای بیرونی (ثروت، شهرت، زیبایی) را مورد بررسی قرار داده است. مطابق با فرضیات پژوهش، در مطالعهٔ اول رابطهٔ مثبتِ معنادار میان اهمیت جذابیت ظاهری با اضطراب مرگ و خرده‌مقیاس‌هایش، مشاهده شد. به علاوه، یافته‌های حاصل از مطالعه دوم نشان داد که برجستگی مرگ منجر به کاهش اهمیت آرزوهای بیرونی، در گروه آزمایشی، در مقایسه با گروه کنترل می‌شود. هم‌چنین، تأثیر برجستگی مرگ بر اهمیت جذابیت ظاهری معنادار است.

[Downloaded from rph.khu.ac.ir on 2024-04-29]
[DOR: 20.1001.1.20080166.1395.10.4.6.7]
[DOI: 10.18869/acadpub.rph.10.4.19]

جدول ۱. ماتریس همبستگی و شاخص‌های توصیفی متغیرهای مورد مطالعه (مطالعه ۱)

متغیرها	میانگین	انحراف استاندارد	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
۱- نمره کل اضطراب مرگ	۲/۶۹	۰/۴۴	۱							
۲- ترس از مرگ	۲/۶۶	۰/۶۷	۰/۷۵**	۱						
۳- ترس از مرگ رنج-آور	۲/۷۹	۰/۶۱	۰/۸۳**	۰/۴۶**	۱					
۴- ترس از گذر زمان	۲/۷۵	۰/۶۱	۰/۶۱**	۰/۳۰**	۰/۴۰**	۱				
۵- عدم تحمل ابهام	۲/۵۴	۰/۷۳	۰/۵۹**	۰/۳۳**	۰/۳۹**	۰/۱۸**	۱			
۶- اهمیت زیبایی	۶/۲۱	۱/۶۵	۰/۱۹**	۰/۱۲*	۰/۲۱**	۰/۱۰	۰/۰۹	۱		
۷- اهمیت ثروت	۶/۷۷	۱/۶۵	۰/۰۱	۰/۰۲	۰/۰۴	۰/۰۳	۰/۰۰	۰/۵۶**	۱	
۸- اهمیت شهرت	۶/۷۴	۱/۷۷	۰/۰۲	۰/۰۰	۰/۰۲	۰/۰۴	۰/۰۲	۰/۵۷**	۰/۶۶**	۱

[Downloaded from rph.khu.ac.ir on 2024-04-29]
[DOR: 20.1001.1.20080166.1395.10.4.6.7]
[DOI: 10.18869/acadpub.rph.10.4.19]

جدول ۲. شاخص‌های توصیفی آرزوهای بیرونی (مطالعه ۲)

متغیر	گروه	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد
اهمیت شهرت	گروه آزمایش	۴۷	۵/۷۰	۱/۴۳
	گروه کنترل	۴۷	۶/۴۶	۱/۴۷
	جمع	۹۴	۶/۰۸	۱/۴۹
اهمیت ثروت	گروه آزمایش	۴۷	۶/۵۱	۱/۶۱
	گروه کنترل	۴۷	۶/۸۶	۱/۶۷
	جمع	۹۴	۶/۶۹	۱/۶۴
اهمیت زیبایی	گروه آزمایش	۴۷	۶/۶۵	۱/۶۴
	گروه کنترل	۴۷	۶/۷۷	۱/۴۷
	جمع	۹۴	۶/۷۱	۱/۵۵

[Downloaded from rph.khu.ac.ir on 2024-04-29]
[DOR: 20.1001.1.20080166.1395.10.4.6.7]
[DOI: 10.18869/acadpub.rph.10.4.19]

یافته‌های این دو مطالعه نشان می‌دهد که از یک‌سو، مطابق با مطالعهٔ اول، افراد با آرزوهای بیرونی، اضطرابِ مرگ بیشتری را گزارش می‌دهند این یافته با یافته‌های نظریه‌پردازان این حوزه (یالوم، ۱۳۹۴؛ کاسر، ۱۳۹۵) مبنی بر این‌که پیگیری ارزش‌های مورد تأکید در جامعه مدرن، راهبرد مؤثری در کاهش ناامنی‌های وجودی نیست، همسو است. و از طرف دیگر، مطابق با مطالعهٔ دوم که مبتنی بر نگاه هایدگر (۱۳۹۴) است، اضطرابِ مرگ می‌تواند به صورت تجربه‌ای مرزی، انسان را از سطح روزمره زندگی و جستجوی تأیید دیگران که در پیگیری آرزوهای بیرونی دیده می‌شود، به سطح هستی‌شناسانه زندگی و در نتیجه، پیگیری زندگی‌ای اصیل[۱] و تجربهٔ سرزندگی سوق دهد.

در واقع، مرگ‌آگاهی همانطور که از یک‌سو، موجب برانگیختن اضطراب و به کارگیری مکانیزم‌های دفاعی نزدیک[۲] (مکانیزم‌هایی از قبیل انکار[۳]و سرکوبی که افکار مرگ را از سطح هشیار ذهن خارج می‌کنند.) و دور[۴] می‌شود (مکانیزم‌هایی که جاودانگی نمادینی به فرد می‌بخشند و باوری از خدشه‌ناپذیری[۵] و وجود نجات‌دهندهٔ غایی[۶] را در وی شکل می‌دهند)؛ از سوی دیگر، به صورت تجربه‌ای برانگیزاننده سبب می‌شود تا فرد در پی یافتن معنایی در زندگی خود باشد و شیوه‌ای اصیل از زندگی را در پیش گیرد (یالوم، ۱۳۹۲، ۱۳۹۴؛ پیزینسکی، گرینبرگ و سولومون، ۱۹۹۹).

برای مثال، ماکلامز و بلاسکوویچ[۷] (۲۰۱۱) در مطالعهٔ خود با عنوان پاسخ‌های فرهنگی متفاوت به برجستگی مرگ، تفاوت افراد در جوامع شرقی و جمع‌گرا را نسبت به افراد در جوامع غربی و فردگرا بعد از قرارگیری در شرایط برجستگی مرگ مورد بررسی قرار دادند. محققان در دو مطالعه نشان دادند که پس از قرار گرفتن شرکت‌کنندگانی از نژاد آسیایی-آمریکایی در شرایط برجستگی مرگ، آنها نگرش مثبت‌تر و رفتار نوع‌دوستانه‌تری را نسبت به فردی مغایر با هنجارهای فرهنگی‌شان (برای مثال، یک زن روسپی) نشان دادند. به علاوه، در مطالعهٔ دوم نیز فردی را که در یک تصادف رانندگی بدون هیچ‌گونه تقصیری فلج شده بود کمتر سرزنش کردند. در واقع، مطابق با تبیین محققان، افراد نمونه به دنبال مرگ‌آگاهی، در تناسب با فرهنگ جمع‌گرایشان و اهمیتی که انسجام اجتماع و مردم برای حرمت خود[۸] آنها داشت، رفتار کردند.

در خصوص یافته‌های به دست آمده در مطالعه اول نیز مطالعات نشان داده‌اند که مادی‌گرایی و ارزش‌گذاریِ محوریِ آرزوهای بیرونی، راهبرد مقابله‌ای مؤثری برای کاهش اضطراب مرگ نیست. برای مثال، کاسر و کاسر (۲۰۰۱) با هدف بررسی رابطهٔ میان ناایمنی در خصوص نیازهای جسمانی (بقاء) و روانی (ارتباط، شایستگی و خودپیروی) و گرایش به مادی‌گرایی به مثابه یک واکنش دفاعی تسکین‌بخش، دانشجویان دوره کارشناسی که نمرات مادی‌گرایی بر نمایه آرزو، آن‌ها را در مقایسه با همسالان‌شان جزو ۱۰درصد بالا یا پایین بود، مورد بررسی قرار دادند. سپس از آن‌ها خواستند که دو رویا از معنادارترین، به یاد ماندنی‌ترین و قوی‌ترین رویاهای زندگی‌شان را تعریف کنند. یافته‌های این مطالعه سه تفاوت را در رویاهای افراد با مادی‌گرایی زیاد و کم نشان داد که یکی از این تفاوت‌ها در خصوص مرگ بود. مرگ در رویاهای افراد به شدت مادی‌گرا نقش بیشتری بازی می‌کرد. این موضوع در خود رویا یا در تداعی‌های رویا در ۲۰/۵ درصد رویاهای افراد مادی‌گرا در مقایسه با تنها ۳درصد از رویاهای افراد کمتر مادی‌گرا اشاره شده بود. برای مثال، در رویاهای دو فردِ به شدت مادی‌گرا، افرادی ظاهر شده بودند که در زندگی در عالم بیداری مرده بودند و فرد دیگری این رویا را دیده بود که *«زنی همچون شبح که لباس سیاهی پوشیده بود... از صلیب {یک کلیسا} حلق‌آویز شده بود و مرا صدا می‌زد»*. برای سایر افرادی که به شدت اهداف مادی را ارزش‌گذاری کرده بودند، مرگ حتی زمانی که به طور آشکار در رویا ظاهر نشده بود، به صورت یک تداعی مهم قلمداد شده بود. دومین تفاوت نیز مرتبط با ناایمنی بود. ۱۵درصد از رویاهای افرادِ در گروه به شدت مادی‌گرا در مقایسه با ۳درصد از رویاهای افرادِ در گروه کمتر

۱. authentic
۲. proximal
۳. denial
٤. distal
٥. inviolability
٦. ultimate rescuer
۷. Ma-Kellams & Blascovich

۸. self-esteem

[Downloaded from rph.khu.ac.ir on 2024-04-29]
[DOR: 20.1001.1.20080166.1395.10.4.6.7]
[DOI: 10.18869/acadpub.rph.10.4.19]

مادی‌گرا سقوط[1] را در برداشت. سقوط تقریباً به طور همگانی توسط نظریه‌پردازان به عنوان تظاهر ناایمنی (ون‌دی‌کسل[2]، ۱۹۹۳)، از کنترل خارج شدن فرد، پس‌رفت کردن و نداشتن چیزی برای حفظ کردن تفسیر شده است. دو فرد از گروه به شدت مادی‌گرا، سقوط درون آتش، نفر سوم سقوط از سقف انبار غله و چهارمین نفر نگرانی در خصوص سقوط از جرثقیل را گزارش کرده بودند. تفاوت دیگر میان گروه‌ها این بود که در رویاهای افراد به شدت مادی‌گرا نگرش بسیار متفاوتی به اشیای ترسناک نشان داده شده بود. به طور خاصی ۱۸درصد از رویاهای گروهِ کمتر مادی‌گرا، شیء کاملاً ترسناکی را به این صورت که خیلی هم وحشتناک نبود، مجدداً قالب‌بندی کرده بود. هیچ فردی از گروهِ به شدت مادی‌گرا به این شکل با ترس‌هایش مواجه نشده بود. برای مثال، دو نفر از گروه کمتر مادی‌گرا در رویای‌شان ابتدا از یک کرگدن و یک سگ پشمالوی ارغوانیِ غول پیکر ترسیده بودند؛ اما بعداً فهمیده بودند که نیات حیوانات خوب است. سایر افراد این گروه فهمیده بودند که فرد مهاجم به آنها واقعاً «مردی خوب و شاد» بود یا کاملاً مطمئن بودند که به آن‌ها آسیب نخواهد رساند. حتی یکی از آن‌ها گزارش کرده بود، در حالیکه با استفاده از تخته سنگی مجبور به فرار به طرف پایین صخره‌ها شده بود «بعضی اوقات این کار به جای فرار به نوعی سرگرمی شبیه بود». این رویاها بیان می‌کنند؛ افرادی که خیلی نگران پیگیری ارزش‌های مادی نیستند، نسبت به آن‌هایی که گرایشی به شدت مادی دارند، ممکن است توانایی بیشتری برای غلبه بر ناایمنی‌ها داشته باشند.

اگرچه میانگین تمامی آرزوهای بیرونی در گروه آزمایشی، در مقایسه با گروه کنترل به واسطهٔ برجستگی مرگ، کاهش یافت؛ اما عدم معناداری آرزوی شهرت، احتمالاً تبیینی فرهنگی دارد. چراکه مطابق با ساختار مدور[3] به دست آمده در مطالعه گروزت و همکاران (۲۰۰۵)، هستهٔ اصلی این آرزو بیشتر گرایشات پیوندجویانه، کسب تأیید و تحسین دیگران و نزدیکی به بُعد تعالی خود است. این موضوع شاید بیان‌کننده این مطلب است که در جامعهٔ ایرانی که نسبت به کشورهای غربی، فرهنگی جمع‌گراتر داشته و کسب تأیید و نظر مثبت دیگران از اهمیت بیشتری برخوردار است، به دنبال برجستگی مرگ، کاهش این قبیل ارزش‌ها کمتر خواهد بود. البته این یافته به همراه عدم معناداری آرزوی ثروت، نیازمند بررسی‌های بیشتر است.

مطابق با روان‌درمانی وجودی زمانی فرد زیستنی اصیل خواهد داشت که بتواند شجاعانه با امکانیت مرگ رویاروی شود. چراکه اضطراب ناشی از مرگ‌آگاهی و برعهده گرفتن مسئولیت زیستن، انرژیِ زندگی است. روان‌درمانگرِ وجودی به دنبال کاهش اضطراب و بشارت‌دهندهٔ زندگی‌ای کاملاً ایمن نیست؛ بلکه افراد را تشویق کرده تا با اضطراب رویاروی شده، آن را بپذیرند و یاد بگیرند که از آن لذت برده و استفاده کنند. در نهایت، همخوان با یافته‌های این مطالعه نیز، دستاورد رویارویی با اضطرابِ وجودی و عدم انکار و سرکوب آن، کاهش ارزش‌گذاریِ محوری بر آرزوهای بیرونی است. آرزوهایی از قبیل کسب شهرت (برخی ماده‌های آن عبارتند از: مورد تحسین و تمجید انسان‌های زیادی قرار می‌گیرم، معروف خواهم شد)، ظاهر مناسب (برای مثال، ظاهرم از نگاه دیگران جذاب خواهد بود، در آرایش مو و لباس پوشیدن مطابق با مُد روز خواهم بود) و ثروت (برای مثال، دارایی‌های گران قیمت بسیاری خواهم داشت، به لحاظ مالی موفق خواهم بود) که به وضوح جستجوی تأیید دیگران و زیرپا گذاشتن خودپیروی و در نتیجه احساس گناهِ وجودی[4] (احساس گناه ناشی از بالفعل نساختن و قربانی کردن ظرفیت‌های خویش) را در پی خواهند داشت (ون-دورزن، ۱۳۹۴؛ یالوم، ۱۳۹۲، ۱۳۹۴؛ کاسر، ۱۳۹۵).

این پژوهش نیز با محدودیت‌هایی همراه بود. طرح آزمایشی پژوهش مانع از آن شد که بتوان ارزش‌گذاری مشارکت‌کنندگان در گروه‌های کنترل و آزمایشی، بر آرزوهای بیرونی را، پیش از قرار گرفتن در شرایط برجستگی مرگ در اختیار داشت. هم‌چنین حجمِ کمِ نمونه و استفاده از ابزارهای خودگزارشی که با سوگیری در ارائه پاسخ‌ها همراه هستند از دیگر محدودیت‌های این پژوهش است. پژوهش‌های آتی می‌توانند درک بیشتر و روشن‌تری را در خصوص چگونگی تأثیر مرگ‌آگاهی و اضطراب مرگ در فرهنگ ایرانی فراهم کنند. رسیدن به این جایگاه با بررسی بیشتر و دقیق‌ترِ مکانیزم اثرگذاری اضطرابِ مرگ، به خصوص در سطوح

۱. falling
۲. Van de Castle
۳. circumplex
٤. existential guilt

[Downloaded from rph.khu.ac.ir on 2024-04-29]
[DOR: 20.1001.1.20080166.1395.10.4.6.7]
[DOI: 10.18869/acadpub.rph.10.4.19]

آشکار[1] و پنهان (ضمنی)[2] و با اتخاذ ارزش‌ها و شیوه‌های رفتاری مختلف در جامعه ایرانی که شرایط متفاوتی را به لحاظ فرهنگی، مذهبی و اجتماعی و اقتصادی نسبت به جوامع غربی دارد، امکان‌پذیر است.

منابع

Arndt, J., & Solomon, S. (۲۰۰۳). The control of death and the death of control: The effects of mortality salience, neuroticism, and worldview threat on the desire for control. *Journal of Research in Personality*, ۳۷(۲), ۱-۲۲.

Becker, E. (۱۹۷۵). Escape from evil: Free Press.

Brown, K. W., & Kasser, T. (۲۰۰۵). Are psychological and ecological well-being compatible? The role of values, mindfulness, and lifestyle. *Social Indicators Research*, ۷٤(۲), ۳٤۹-۳٦۸.

Cai, F., & Wyer Jr, R. S. (۲۰۱۵). The impact of mortality salience on the relative effectiveness of donation appeals. *Journal of Consumer Psychology*, ۲۵(۱), ۱۰۱-۱۱۲.

Cohen, F., Soenke, M., Solomon, S., & Greenberg, J. (۲۰۱۳). Evidence for a role of death thought in American attitudes toward symbols of Islam. *Journal of Experimental Social Psychology*, ٤۹(۲), ۱۸۹-۱۹٤.

Conte, H. R., Weiner, M. B., & Plutchik, R. (۱۹۸۲). Measuring death anxiety: conceptual, psychometric, and factor-analytic aspects. *Journal of personality and social psychology*, ٤۳(٤), ۷۷۵.

Deci, E. L., & Ryan, R. M. (۲۰۰۰). The" what" and" why" of goal pursuits: Human needs and the self-determination of behavior. *Psychological inquiry*, ۱۱(٤), ۲۲۷-۲٦۸.

Duriez, B. (۲۰۱۱). The social costs of extrinsic relative to intrinsic goal pursuits revisited: The moderating role of general causality orientation. P*ersonality and Individual Differences*, ۵۰(۵), ٦۸٤-٦۸۷.

Duriez, B. (۲۰۱۱). Understanding the effects of parental extrinsic versus intrinsic goal promotion on adolescent ethnic prejudice. *Journal of Social Psychology*, ۱۵۱, ٤٤۱-٤۵٤.

Duriez, B., Vansteenkiste, M., Soenens, B., & De Witte, H. (۲۰۰۷). The social costs of extrinsic relative to intrinsic goal pursuits: Their relation with social dominance and racial and ethnic prejudice. *Journal of personality*, ۷۵(٤), ۷۵۷-۷۸۲.

Greenberg, J., Pyszczynski, T., & Solomon, S. (۱۹۸٦). T*he causes and consequences of a need for self-esteem: A terror management theory Public self and private self* (pp. ۱۸۹-۲۱۲): Springer.

Greenberg, J., Pyszczynski, T., Solomon, S., Rosenblatt, A., Veeder, M., Kirkland, S., & Lyon, D. (۱۹۹۰). Evidence for terror management theory II: The effects of mortality salience on reactions to those who threaten or bolster the cultural worldview. *Journal of personality and social psychology*, ۵۸(۲), ۳۰۸.

Grouzet, F. M., Kasser, T., Ahuvia, A., Dols, J. M. F., Kim, Y., Lau, S., Sheldon, K. M. (۲۰۰۵). The structure of goal contents across ۱۵ cultures. J*ournal of personality and social psychology*, ۸۹(۵), ۸۰۰.

Heidegger, M. (۲۰۱۵). *Being and time*. Translated by Siavash Jamadi. Qoqnoos Publication. [Persian].

Jonas, E., Sullivan, D., & Greenberg, J. (۲۰۱۳). Generosity, greed, norms, and death–Differential effects of mortality salience on charitable behavior. *Journal of Economic Psychology*, ۳۵, ٤۷-۵۷.

Jong, J., Halberstadt, J., & Bluemke, M. (۲۰۱۲). Foxhole atheism, revisited: The effects of mortality salience on explicit and implicit religious belief. *Journal of Experimental Social Psychology*, ٤۸(۵), ۹۸۳-۹۸۹.

Kasser, T. (۲۰۱٦). *The high price of materialism*. MIT Press. Translated by Milad SabzehAra and Mostafa Mohammadi. Qoqnoos publication. [Persian].

Kasser, T. (۲۰۱۱). Cultural values and the well-being of future generations: A cross-national study. *Journal of Cross-Cultural Psychology*, ٤۲(۲), ۲۰٦-۲۱۵.

Kasser, T., & Kasser, V. G. (۲۰۰۱). The dreams of people high and low in materialism. *Journal of Economic Psychology*, ۲۲(٦), ٦۹۳-۷۱۹.

Kasser, T., & Ryan, R. M. (۱۹۹٦). Further examining the American dream: Differential correlates of intrinsic and extrinsic goals. *Personality and social psychology bulletin*, ۲۲(۳), ۲۸۰-۲۸۷.

Kasser, T., Ryan, R. M., Zax, M., & Sameroff, A. J. (۱۹۹۵). The relations of maternal and social environments to late adolescents' materialistic and prosocial values. *Developmental psychology*, ۳۱(٦), ۹۰۷.

Kasser, T., & Sheldon, K. M. (۲۰۰۰). Of wealth and death: Materialism, mortality salience, and consumption behavior. *Psychological science*, ۱۱(٤), ۳٤۸-۳۵۱.

۱. explicit
۲. implicit

[Downloaded from rph.khu.ac.ir on 2024-04-29]
[DOR: 20.1001.1.20080166.1395.10.4.6.7]
[DOI: 10.18869/acadpub.rph.10.4.19]

Ma-Kellams, C., & Blascovich, J. (۲۰۱۱). Culturally Divergent Responses to Mortality Salience. *Psychological Science*, ۲۲, ۱۰۱۹-۱۰۲٤.

Mohammadi, M., Noori Moghadam, S., Shahsavarani, A. M., & SabzehAra, M. (۲۰۱۳). Comparing the relationship between self-esteem and mental health in the prediction of death anxiety. J*ournal of Psychological Science*. ٤۷, ۱۲. [Persian].

Peterson, G. (۲۰۰٦). Greenberg, J., Koole, SL & Pyszczynski, T. (eds.) (۲۰۰٤). *Handbook of Experimental Existential Psychology*.

Pyszczynski, T., Greenberg, J., & Solomon, S. (۱۹۹۹). A dual-process model of defense against conscious and unconscious death-related thoughts: an extension of terror management theory. *Psychological review*, ۱۰٦(٤), ۸۳٥.

Sheldon, K. M., Sheldon, M. S., & Osbaldiston, R. (۲۰۰۰). Prosocial values and group assortation. *Human Nature*, ۱۱(٤), ۳۸۷-٤۰٤.

Van Deurzen, E. (۱۹۹۷). E*veryday Mysteries-existential dimensions of psychotherapy*. London, England: Routledge.

Van Deurzen, E. (۲۰۱٦). *Existential counselling psychotherapy in practice*. Translated by Ahmad Reza Kiani and Jamshidian Yasman. Arjmand Publication. [Persian].

Yalom, I. D. (۲۰۱٤). *Existential psychotherapy*. Translated by Sepideh Habib. Ney Publication. [Persian]

Yalom, I. D. (۲۰۱۳). *Staring at the sun*. Translated by Mehdi Ghabraei. Nikoo Nashr. [Persian].

[Downloaded from rph.khu.ac.ir on 2024-04-29]

[DOR: 20.1001.1.20080166.1395.10.4.6.7]

[DOI: 10.18869/acadpub.rph.10.4.19]